

تقریرات دوره پودمانی

پولشویی و اخلال در نظام اقتصادی

استاد دکتر مسعودی مقام

تهیه و تنظیم: محسن شیری

دوره اول کارآموزی مرکز ولیعصر (عج)

آبان ماه ۱۳۹۶ - قم مقدسه

قال النبي الأكرم (ص):

المؤمنُ إذا ماتَ وَ تَرَكَ وَرَقَةً وَاحِدَةً عَلَيْهَا عِلْمٌ تَكُونُ تِلْكَ الْوَرَقَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سِتْرًا فِيمَا بَيْنَهُ
وَ بَيْنَ النَّارِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِكُلِّ حَرْفٍ مَكْتُوبٍ عَلَيْهَا مَدِينَةً أَوْسَعُ مِنَ الدُّنْيَا سَبْعَ
مَرَّاتٍ

مومن چون از دنیا برود و برکه ای حاوی دانش از خود بر جای نهد

این برکه در روز رستاخیز میان او و آتش دوزخ فاصله می شود

و خدای بزرگ برای هر حرفی که بر آن برکه نوشته شده باشد شهری به فراخانی هفت گیتی به وی بخشد.

جلسه اول

یکی از منابع مفید برای این درس کتاب پول شویی دکتر توسلی است.

انواع پول ها

پول های خاکستری: پول های ناشی از فروش کالا و فعالیت های اقتصادی که دولت بر آن نظارت ندارد.

پول های سیاه: پول های ناشی از فعالیت های مجرمانه مثل اختلاق قاچاق و ...

پول های آغشته به خون: پول های حاصل از معاملات و نقل و انتقالات مواد مخدر که غالباً به خون و خونریزی می انجامد.

تعریف پول شویی

ماده ۲ پولشویی را براساس فرآیند، تعریف کرده است. (تحصیل تملیک تبدیل و ...) اما تعریف ماهوی از این جرم ارائه نشده. در کنوانسیون های بین المللی هم مصداقی تعریف شده و تعریف ماهوی نشده. برخی کشورها به صورت قاعده کلی هر عملی که باعث شستن پول می شود را تعریف پولشویی دانسته اند.

رتبه در طبقه بندی جرائم

در تقسیم بندی م ۱۸ قانون مجازات، پولشویی جرم تعزیری غیرمنصوص شرعی است.

برخی می گویند علیه اموال است چون متضمن کسب درآمد و عائدات است. اما در پاسخ گفته می شود لزوماً عائدات ندارد. بعلاوه این که هدف از پولشویی مخفی کردن است نه تعرض به مالکیت که موضوع جرم علیه اموال است.

موضوع جرم گاه موضوع قانونی منظور است و گاه موضوع مادی. موضوع قانونی یعنی مبادی و ارزش و مصلحت و جرم انگاری (مالکیت - جان - آبرو) موضوع مادی یعنی حقی که در رهگذر جرم از بزه دیده سلب شد. (حق حیات - مالکیت و ...).

تقسیم سنتی جرائم تقسیم به جرائم علیه اشخاص، علیه اموال، علیه امنیت و آسایش عمومی است؛ اما الان چند قسم اضافه شده مانند جرائم علیه عدالت قضایی جرائم فساد مالی جرائم اقتصادی و ... برخی می‌گویند پولشویی جرم علیه عدالت قضایی است چون مجرم سعی دارد ضابطین و قاضی را از مسیر کشف جرم منحرف کند.

برخی می‌گویند جرم فساد مالی است. یعنی جرائمی که از ناحیه کارکنان دولت از طریق سوء استفاده از موقعیت شغلی برای کسب منافع است. در جواب گفته می‌شود این جرم ضرورتاً توسط کارکنان دولت رخ نمی‌دهد. بعلاوه اینکه به موقعیت شغلی او وابسته نیست.

اجماع داریم که پولشویی جرم اقتصادی است. جرم اقتصادی یعنی جرائمی که علیه سیاست‌ها و فعالیت‌های اقتصادی رخ می‌دهد.

سیاست‌های اقتصادی به سیاست های پولی، مالی و درآمدی تقسیم می‌شود که جرائم علیه سیاست های پولی، به سه قسم: خلق مجرمانه پول، کسب مجرمانه پول مثل ربا، حبس مجرمانه پول مثل پولشویی تقسیم می‌شود.

نکته

جرم یا جرم طبیعی است مثل زنا یا جرم ساختگی و تصنعی مثل پولشویی؛ لذا پولشویی افکار عمومی را مشوش نمی‌کند.

رکن قانونی

در سال ۸۶، قانون مبارزه با پولشویی به مبارزه با جرائم قانونی ناشی از جرایم منشأ پرداخت اگرچه در قوانینی مثل ماده ۵۲۲ و ۶۶۲ تعزیرات و قانون نحوه اجرای اصل ۴۹، ماده ۲۸ ق مواد مخدر، ق نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی، قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی و قانون تشدید هم به پولشویی پرداخته شده بود.

در مورد ماهیت جرم پولشویی سه نظر هست: ۱- جرم مستقل است لذا قانون مستقل نیاز دارد. ۲- ادامه جرم منشأ است، لذا مقرر قانونی جدید نمی‌خواهد. ۳- معاونت است لذا مقرر مستقل نمی‌خواهد.

در قانون مبارزه با پولشویی ماده ۲ از حیث جرم، ماده ۹ از حیث مجازات مهم است و ماده ۳ منظور از عائدات را توضیح داده.

در رسیدگی به پولشویی علاوه بر مواد قانونی باید اصل براءت، اصل تسلیط، صحت معاملات، عدم دخالت در حریم خصوصی، ترجیح منافع ملی بر مصالح شخصی، اکل مال به باطل، ضمان ایادی متعاقب، ثبت و استشهاد در معاملات، ممنوعیت تعدی به اموال عمومی را هم باید لحاظ کرد.

جلسه دوّم

رکن مادی

۱. مرتکب

از سال ۹۲ در ق مجازات، اشخاص حقوقی هم قابلیت ارتکاب جرم و مجازات را دارند. مرتکب می‌تواند به صورت مباشرت، معاونت، مشارکت و فاعل معنوی متصور باشد.

فاعل معنوی کسی است که بدون ورود در عملیات اجرایی به موجب اقتدار و سلطه‌ای که بر دیگری دارد جرم را مرتکب و بعضاً ذی‌نفع واقعی جرم محسوب می‌شود. اگر مباشر مادی، انسان باشد (جاهل، مجنون، صغیر غیر ممیز)، می‌توان مسئولیت کیفری را متوجه مباشر معنوی دانست به این شرط که مباشر مادی عالماً و عامداً اقدام به رفتار مجرمانه نکند. چون در صورت علم و آگاهی وی، دیگر بحث فاعل معنوی مطرح نیست بلکه موضوع از مصادیق معاونت و مباشرت محسوب می‌شود. در جرائم اقتصادی فاعل معنوی خیلی رخ می‌دهد و باید دقت کرد لزوماً کسی که پول را از او گرفتند مرتکب اصلی جرم نیست.

آیا پولشویی جرم مستقل است یا ادامه و نوعی معاونت نسبت به جرم منشأ است؟

برای ورود به پولشویی ضرورتاً یک جرم منشأ می‌خواهیم. پس ضرورتاً دو جرم می‌خواهیم: جرم منشأ - جرم پولشویی. جرم منشأ در برخی کشورها مورد احصاء قانون‌گذار قرار گرفته لذا فقط بخشی از جرائم مثل قاچاق (انسان، مواد مخدر، کالا و ارز) اختلاس، ارتشاء، تبانی، کلاهبرداری و ... به عنوان جرائم منشأ معرفی شده است. لذا در سایر جرائم پولشویی قابل تعقیب نیست. در کشور ما این‌طور نیست. در قانون پولشویی علی‌رغم اینکه جرم پولشویی را مستقل از جرم منشأ تصور کرده ولی دایره جرم منشأ را به نحو وسیع تصور کرده لذا کلیه جرائم دارای عائدات مالی را در برمی‌گیرد.

پولشویی دو نوع است: اگر از ناحیه مرتکب جرم منشأ صورت گیرد، پولشویی اولیه است. اگر مرتکب جرم پولشویی غیر از مرتکب جرم منشأ باشد پولشویی ثانویه است.

جرم منشأ حتماً باید از آن عائدات مالی حاصل شده باشد. عائدات طبق م ۳ هم عائدات مستقیم (اصل) و هم غیرمستقیم (فرع) می‌تواند باشد.^۱ هم‌چنین جرم منشأ باید مقدم بر پولشویی باشد.

قانون کشور ما توجه به وسعت جرم منشأ، قانون کارآمدی نیست لذا م ۹ این قانون را درصدد اصلاحش برآمده‌اند. و می‌خواهند جرم منشأ را منحصر کنند در موارد تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات.

تعدد بین پولشویی و جرم منشأ را باید دقت کرد (مخصوصاً در پولشویی اولیه) که در مباحث آینده به آن خواهیم پرداخت.

موضوع مادی جرم

۱ گاهی جرم منشأ مستقیماً یا غیر مستقیم عائدات دارد: مثل کلاهبرداری ولی گاهی کسی برای انجام یک جرم پول بگیرد مثلاً

برای قتل. این قسم دوم در قانون جدید پولشویی جرم انگاری شده و پیش بینی شده.

۱- عائدات مالی (مستقیم یا غیرمستقیم)

۲- اطلاعات (از محل، منشأ، ماهیت و...) که به موجب بند ج م ۲ هر کس اطلاع یابد که عائدات ناشی از جرم در حال ردّ و بدل شدن است، و ... و در عین حال اطلاعات خود را مخفی کند یا کتمان کند مرتکب جرم شده است.

شرایط و اوضاع اموال

پولشویی همیشه به معنی کسب منفعت، نیست؛ آن چه در پولشویی مهم است پنهان کردن منشأ و به عبارتی نشان دادن ظاهر قانونی و مشروع به عائدات حاصل از جرم با وصف به اینکه این گونه رفتارها به معنای این نیست که در واقع عائدات حاصل از جرم چهره مشروع و قانونی به خود گیرد.

گونه‌های پولشویی

بیرونی، درونی، صادر شونده، وارد شونده (وارداتی).

در پولشویی بیرونی، جرم منشأ در خارج از کشور و تطهیر هم در خارج آن واقع می‌شود. پولشویی درونی ناظر به مواردیست که جرم منشأ و جرم پولشویی در قلمرو یک کشور واقع می‌شود.

در پولشویی بیرونی، جز در پیش‌بینی معاهدات بین‌المللی، قابل رسیدگی نیست زیرا هر دو جرم در خارج از کشور واقع شده، لذا فقط در خصوص معاهداتی که انجام شده و اجازه رسیدگی به کشورهای دیگر داده شده قابل رسیدگی است.

پولشویی وارد شونده یعنی پول‌های ناشی از فعالیت‌های مجرمانه در سایر نقاط جهان، در داخل یک کشور مورد تطهیر قرار می‌گیرد (خصوصاً در مواد مخدر).

پولشویی صادرشونده یعنی پول‌های حاصل از جرم در داخل کشور، تطهیر آن در خارج کشور صورت می‌گیرد. در اینجا به جرم منشأ حداقل می‌شود رسیدگی کرد چون در داخل خاک ما اتفاق افتاده.

مراحل پولشویی

قانون‌گذار به آن اشاره نکرده اما می‌توان این مراحل را در کلیه فرآیندهای پولشویی مورد ملاحظه قرار داد البته لازم نیست در هر پولشویی تمامی این مراحل واقع شود. گاهی بدون وجود تمام مراحل هم پولشویی محقق می‌شود:

۱. مکان‌یابی یا استقرار یا جایابی (قبل از شستن)

۲. لایه‌گذاری یا لایه‌چینی (در مرحله شستن)

۳. ادغام یا یکپارچه سازی (باز یافت)

شیوه‌های پولشویی گاهی درون سیستم بانکی و گاهی خارج از سیستم بانکی است مثل ایتام و قاچاق و وکالت و ... جلسه سوم

موضوع جرایم را گفتیم که یا عائدات مالی است یا اطلاعات از عملیاتی که روی پولها انجام می‌شود. در برخی از کشورها این وجود اطلاعات را هم پولشویی محسوب کرده‌اند. در قانون ما هم بند ج اشاره به همین دارد. البته این بند ج در پرونده‌ها خیلی کم است؛ زیرا احرازش خیلی است؛ لذا بیش‌تر پرونده‌ها راجع به عائدات است.

رکن روانی

غالباً در جرایم سوءنیت و نیت مجرمانه لازم است. مگر در موارد استثنایی که غالباً جرایم امنیتی این‌گونه‌اند. در پول‌شویی هم باید رفتارهایی که در بند الف و ب آمده باید با قصد مجرمانه باشد. البته این رفتارها لازم نیست ظاهر حقوقی داشته باشد و مشمول عقود و قراردادهای و ... باشد و اصلاً اگر بخواهیم نگاه حقوقی را اعمال کنیم بیش‌تر این رفتارها خارج می‌شوند. (لذا تحصیل مادی کافی است و لازم نیست حقوقی باشد).

رفتار مجرمانه

رفتار در پولشویی از نوع مادی است. (رفتار معنوی که در قتل و ... هست در پولشویی وجود ندارد). رفتار مادی هم غالباً ایجابی است و ترک فعل بودنش کم است. اکنون به بررسی رفتارهای مجرمانه در جرم پولشویی می‌پردازیم:

تحصیل: یعنی به دست آوردن مستقیم یا غیرمستقیم، مجرمانه یا غیرمجرمانه، نسبت به عائدات مجرمانه. آیا تحصیل شامل مرتکب جرم منشأ هم می‌شود؟ مثلاً کلاهبرداری و اختلاس، همیشه تعدد پیدا می‌کنند با پولشویی؟ تحصیل خود به خود در جرائم مالی، در دل جرم منشأ هست و وجود دارد. لذا تحصیل، منصرف از خود جرم منشأ است.

تملک: تحصیل اعم از تملک است. هر جا تحصیل به نحو مادی باشد و هر جا تحصیل به نحو حقوقی باشد گرچه زیرمجموعه عنوانی تحت عنوان تحصیل قرار می‌گیرند اما به نظر می‌رسد مقنن تحصیل حقوقی را (تحصیل مادی) زیر مجموعه تملک قرار داده.

پس تحصیل مادی را تحصیل و تحصیل حقوقی را تملک می‌نامیم.

تملک هم منصرف از مرتکب جرم منشأ است.

در تملک، کسی که قبول‌کننده است پول‌شو محسوب می‌شود نه ایجاب‌کننده. (در پولشویی، تملک کیفری منظور است، نه تملک در حقوق مدنی).

نگهداری: نگهداری چه مخفیانه باشد، چه آشکار. البته بین نگهداری مخفیانه با اخفاء و کتمان و ... هم‌پوشانی می‌شود. لذا می‌گوییم نگهداری اعم از مخفیانه و علنی است، اگر نسبت به عائدات جرم باشد مشمول بند الف می‌شود. اما اگر نگهداری مخفیانه که مترادف اخفاء و پنهان کردن است، نسبت به اطلاعات ناظر به ماهیت و ...

باشد مشمول بند ج می‌شود. نگهداری در بند الف منصرف از مرتکب جرم است. چون مرتکب جرم به خودی خود نسبت به مخفی کردن و نگهداری اموال ناشی از جرم اقدام می‌نماید.

استفاده: این رفتار، در مفهوم به کار بردن، منتفع شدن از عائدات حاصل از جرم، هم می‌تواند از سوی مرتکب جرم منشأ واقع شود هم از سوی دیگران، مثلاً خودروی حاصل از اختلاس را شخص مرتکب مورد استفاده قرار دهد یا فرزندان او.

تبدیل: یعنی تغییر چهره دادن عائدات. مرتکب با لایه‌گذاری‌های مختلف چهره‌های عائدات را مثلاً از وجه نقد تبدیل به سهام، خودرو ... می‌کند. گاهی این تبدیل از طریق حقوقی است و گاهی صرفاً مادی است مثلاً شش طلا را تبدیل به جواهر می‌کند یا جواهر را ذوب می‌کند. تبدیل حقوقی مثل خرید آپارتمان یا تبدیل به دلار.

جلسه چهارم

مبادله: با انتقال تفاوت دارد. در انتقال صرف جابه‌جایی کافی است به هر شیوه‌ای که باشد از طریق کشتی هواپیما و ... اما انتقالی که متضمن عوض باشد مبادله نامیده می‌شود. مبادله هم می‌تواند توسط مرتکب جرم منشأ انجام شود هم غیر او.

انتقال: انتقال با تبدیل نیز متفاوت است. در انتقال مال یا عائدات حاصل از جرم تغییر چهره نمی‌دهند و فقط جابه‌جایی است. ولی در تبدیل تغییر چهره می‌دهد. لذا طلا را اگر با کشتی منتقل کند انتقال است و اگر آن تبدیل به شمش کند می‌شود تبدیل.

پس در نتیجه نقل و انتقال اگر متضمن عوض باشد، مبادله و اگر با تغییر چهره‌ی مال باشد، تبدیل و در غیر اینصورت انتقال نامیده می‌شود.

پولشویی غالباً در بند ب و آن هم غالباً در تبدیل است.

اگر مرتکب جرم دخالت مؤثر نداشته باشد می‌گوییم تملک، اگر خودش بهره‌بردار می‌گوییم مبادله؛ و اگر اصلاً به صورت حقوقی نبوده و مادی بوده می‌گوییم انتقال.

نکته: قصد پنهان کردن مهم است. لذا اگر مثلاً ۱ میلیارد کلاهبرداری کرده و بعد برای خروج از کشور آن را تبدیل به دلار می‌کند اینجا تبدیل او برای پنهان کردن نیست بلکه به خاطر این است که دارد می‌رود خارج از کشور. لذا قصد پنهان کردن قصد خاص است البته برخی اساتید می‌گویند این موارد هم پولشویی است و در دل آن پنهان کردن هست.

کمک به مرتکب: برخی می‌گویند مثل پنهان کردن است و قصد خاص نیاز دارد. برخی دیگر می‌گویند پنهان کردن انگیزه است و کمک کردن هدف است. ولی به نظر میرسد هر دو نه انگیزه و نه قصد و سوء نیت خاص نیست. و فقط پنهان کردن، قصد خاص است.

در بحث رکن معنوی جرم، یک هدف داریم، یک انگیزه داریم و یک سوء نیت داریم.

انگیزه‌ای که منصوص باشد، قصد خاص محسوب می‌شود، ولی هدف را نمی‌توان قصد خاص حساب کرد. هر پنهان کردن و هر کمکی مشمول بند ب نیست. هر جا قصد کمک باشد قصد پنهان کردن هم هست. قصد کمک در واقع هدف است. بود و نبود «کمک کردن» خیلی مهم نیست.

پس به نظر استاد «قصد پنهان کردن» قصد خاص است. «کمک کردن» یک انگیزه است که قانون‌گذار در کنار پنهان کردن آورده و بار اضافی ندارد. ولو اینکه آن را با «یا» آورده. ولی برخی هم معتقدند «کمک کردن» یک رفتار است و یک معاونت است.

اخفاء، پنهان، کتمان نمودن: در این قسمت مراد مخفی کردن یا نگهداری مخفیانه پوشیده از چشم دیگران است با وصف به این که گاهی اخفاء و پنهان کردن با رفتار ایجابی محقق می‌شود و گاهی با رفتار سلبی.

پنهان و اخفاء مترادف با مخفی کردن است و به معنی سرپوش گذاشتن بر چیزی است که ممکن است از طریق خودداری از اعلام یا وارونه جلوه دادن یا تحریف کردن موضوعی باشد و گاه ممکن است مخفی کردن در قالب انتقال وجوه از حسابی به حساب دیگر تحقق یابد. مثلاً عوائد حاصل از مواد مخدر را از طریق نقل و انتقال بانکی از دیدگان مخفی کند. هرگاه مخفی کردن و پنهان کردن منصرف از عائدات باشد باید به سراغ بند ج م ۲ برویم که اشاره دارد به عملیاتی که ناظر به این رفتارها صورت می‌گیرند مثل اینکه شخصی اطلاعات کافی از نقل و انتقال و جابه‌جایی یا مالکیت عائدات حاصل از جرم داشته باشد و با وارونه جلوه دادن این اطلاعات موضوع را پنهان و مخفی کند.

پولشویی آیا مقید است یا مطلق

برخی می‌گویند مطلق است و صرف ارتکاب یکی از مصادیق رفتارهای مجرمانه کافیهست. برخی دیگر برخی از رفتارها را مقید می‌دانند. اخفاء پنهان کتمان کردن ماهیت، منشأ و ... نسبت به عائدات حاصل از جرم (اطلاعات) به صرف وجود سوء نیت کفایت بر تحقق جرم نمی‌کند بلکه حصول نتیجه‌ای تحت عنوان مخفی شدن سرپوش گذاشتن و ... لازم است.

آیا آنی است یا مستمر

پولشویی در برخی از رفتارها متضمن استمرار یا مستمر بودن جرم است مثل نگهداری اخفاء استفاده. اما به معنای آن نیست که در یک بار ارتکاب جرم واقع شود. (جرم مستمر از حیث صلاحیت و مرور زمان اثر دارد. ولی این که چون مستمر است پس باید چند بار انجام شود این طور نیست).
مبادله و تبدیل و استقلال، تملک و ... ساده و آنی هستند.

رکن معنوی

در کشورها دو رویکرد عمدی و غیرعمدی هست؛ برخی معتقدند پولشویی غیرعمدی و برخی معتقدند عمدی است. مثلاً در سوئیس به غیرعمدی بودن پولشویی تصریح کردند ولی غالب کشورها مثل ایران و فرانسه پولشویی را از

جرائم عمدی می‌دانند که مستلزم وجود سوء نیت، در برخی موارد سوء نیت عام و گاهی علاوه بر آن سوء نیت خاص است. بند الف و بند ج م ۲ نیاز به سوء نیت عام اعم از علم و اراده دارد. علم حکمی ناظر به م ۱۵۵ و علم موضوعی که ناظر به علم مرتکب به اینکه عائدات موضوع رفتاری، حاصل از جرم بوده. در باب اراده باید بگوییم قصد و یا خواست و اراده‌ی ارتکاب تملک و انتقال و ... پس در رکن معنوی، دانستن موضوع و حکم و خواستن و ارادی بودن انتقال و ... شرط است.

اما در بند ب قانونگذار علاوه بر سوء نیت عام، بنا به اعتقاد بسیاری از حقوق‌دانان، انگیزه مرتکب را در پنهان کردن منشأ از باب سوء نیت خاص تلقی کرده است که صرفاً ناظر به همین بند است.

مراحل سه‌گانه پولشویی

این مراحل، در قوانین و مقررات منصوص نیست و به آنها تصریح نشده. در سایر کشورها هم همین‌طور است. لازم نیست هر سه مرحله در پولشویی واقع شود بلکه ممکن است یک مرحله یا هر سه مرحله واقع شود.

۱. جایابی مکان‌یابی، مرحله مقدماتی، پیش پول‌شویی، استقرار: در این مرحله مرتکب سعی دارد عائدات حاصل از جرم را وارد سیستم‌های مالی و غیرمالی نماید تا از طریق آن ارتباط مستقیم عائدات حاصل از جرم را از جرم منشأ قطع نماید لذا به دنبال محل و مکان مناسبی که ممکن است درون سیستم بانکی یا بیرون آن باشد؛ لذا عائدات را گاهی وارد حساب‌های سپرده، خرید سهام، خرید کالای لوکس و ... می‌نماید.

کشف پولشویی در این مرحله آسان‌تر از مراحل بعدی است. (در ایران بانک‌ها محل‌های مناسب‌تری برای استقرار هستند)

۲. لایه‌گذاری یا لایه‌چینی یا استتار داشتن: که مرتکب به دنبال ایجاد لایه‌های معاملاتی و مالی است تا ردیابی عائدات حاصل از جرم را غیرممکن سازد لذا اقدام به معاملات متعدد نموده که سبب ایجاد لایه‌های متنوع و متفاوت گردید که کشف جرم را سخت‌تر از مرحله اول می‌کند. مثلاً بعد از ورود وجوه به سیستم بانکی آن را تبدیل به سهام، سپس خرید خودرو و سپس طلا سپس خرید مغازه و ... می‌کند. هر چقدر لایه‌ها متعددتر باشد کشف غیر ممکن‌تر است.

۳. ادغام و یکپارچه‌سازی: مرحله‌ای است که باز یافت یاد می‌شود. مرتکب به بازگرداندن مجدد عائدات به مجرم به صورتی که منشأ و نحوه‌ی اکتساب و محل جغرافیایی آن قابل ردیابی نباشد می‌پردازد. در این مرحله اموال مشروع و نامشروع مرتکب مخلوط شده و دیگر کشف و تفکیک آن‌ها دشوارتر از مراحل سابق است. به نحوی که مرتکب از طریق عائدات به مبلغ ۲ میلیارد علاوه بر ۱ میلیارد اموال مشروع خود اقدام به خرید یک منزل مسکونی می‌کند که این اختلاف سبب می‌شود تفکیک مشروع و غیرمشروع بودن سخت شود.

شیوه‌های پولشویی در هر مرحله

شیوه‌های درون بانکی:

۱. تصفیه پول: مرتکب سعی دارد عائدات را که از اسکناس‌های کوچک تشکیل شده تبدیل به درشت نموده تا جابه‌جایی آن سهل شود لذا سعی می‌کند پول‌ها یا عائدات حاصل از جرم را که مثلاً در ابعاد هزار تومنی است تبدیل به ده هزار تومنی و ... کند.

۲. اسمورفینگ: در کشورهایی که گزارش‌دهی عملیات مالی اجباری است مثل آمریکا که بیش از ۱۰ هزار دلار اجباریست، متهمین سعی دارند مشمول گزارش‌دهی اجباری نشوند لذا افراد متعددی را به کار می‌گیرند تا کم‌تر از سقف گزارش‌دهی وجوه خود را وارد سیستم‌های مالی نمایند مثلاً هر نفر ۵ هزار دلار وارد می‌کند تا مشمول گزارش شود (در ایران ۱۵ میلیون است).

جلسه ۵

۳. نقل و انتقالات بانکی: به موجب این روش مرتکب اقدام به نقل و انتقال عوائد حاصله از جرم از طریق سیستم‌های الکترونیکی در بانک‌های خصوصی یا دولتی نموده و در کوتاه‌ترین زمان وجوه را از حسابی به حساب دیگر یا از نقطه‌ای به نقطه دیگر از قلمرو سرزمینی یا حتی خارج از آن انتقال می‌دهد. در کشورهایی که همانند کشور ما مشمول تحریم‌های اقتصادی هستند کم‌تر از فضای مجازی برای نقل و انتقال عوائد جرم به خارج از کشور استفاده می‌شود.

۴. انجام معاملات از طریق خویشاوندان: گاهی مرتکب پولشویی عوائد جرم را به جای اینکه مستقیماً وارد سیستم بانکی یا مالی کشور کند از طریق خویشاوندان که به آن‌ها اعتماد و اطمینان دارد اقدام به انجام معاملات مختلف می‌نماید مثل تبدیل عوائد جرم به مواد مخدر به خرید اراضی در شمال کشور. در این شیوه کسی که معامله را انجام می‌دهد مورد اعتماد و اطمینان اشخاص محلی می‌باشد و کم‌تر به او مظنون می‌شوند.

۵. سیستم حواله: یکی از مرسوم‌ترین شیوه‌هاست. به این صورت که عوائد را در اختیار شخصی در کشور مبدأ قرار داده که عموماً از دسته‌ی صرافان و یا تجار بوده و در کشور مقصد با احتساب میزانی تحت عنوان کارمزد عائدات را معادل ارزهای مورد استفاده در کشور مقصد به شخص مورد نظر تسلیم می‌نماید. (مثلاً پول را به ریال می‌دهد به یک صراف در ایران. این صراف یک دوست در آمریکا دارد. پول را به دوستش می‌دهد و او در آمریکا دلار به شما تحویل می‌دهد. و درصدی را هم خودشان برمی‌دارند).

۶. درخواست وام از سیستم بانکی: که در ایران زیاد است. مرتکب با درخواست وام سعی می‌کند عائدات را تحت عنوان وثیقه به بانک سپرده و پس از دریافت وام از پرداخت اقساط خودداری کند. بانک هم این عائدات را که به عنوان وثیقه سپرده شده را از طریق مجاری قانونی تملک و مرتکب نیز وجوه مشروعی را که تحت عنوان وام دریافت کرده، مصرف می‌کند.

۷. استفاده از بانک‌های کارگزار: در این شیوه بانک‌ها اقدام به تأسیس و تشکیل شعب در کشورهای دیگر ننموده بلکه از شعبه بانک‌های مستقر در آن کشور تحت عنوان کارگزار استفاده می‌کنند. این شیوه در کشورهای مورد

استفاده می‌شود که نظارت بانکی با نواقص متعددی مواجه است. غالباً شعب تحت عنوان شعبه کارگزاری کلیه عملیات بانکی را بدون اینکه شعبه اصلی بانک مادر باشند انجام داده و در این راستا عائدات حاصل از جرم را با کم‌ترین نظارت مورد استفاده قرار می‌دهند.

۸. روش‌های دیگر از قبیل معاملات ارزی - قاچاق پول - خرید کالاهای لوکس - موسسات خیریه - خردسازی.

صلاحیت‌ها و تعدد

دادگاه صالح به رسیدگی پولشویی قبلاً شعب خاص در تهران یا مراکز استان‌ها بود. (طبق م ۱۱ ق پولشویی). در قانون آیین دادرسی سال ۹۲ صلاحیت تغییر کرد و از حیث صلاحیت محلی محل وقوع جرم (م ۳۱۰) و نیز تهران و مراکز استانها نسبت به مقامات ماده ۳۰۷ و ۳۰۸ دارای صلاحیت شدند.

اما نسبت به صلاحیت ذاتی، نسبت به اینکه در صلاحیت کیفری ۱ باشد یا کیفری ۲ اختلاف بود. برخی می‌گفتند کیفری ۲ چون جزای نقدی مجازاتش است و شناور است لذا درجه ۷ است و مستقیماً باید در دادگاه کیفری ۲ مطرح شود. برخی می‌گفتند براساس میزان مجازات قانونی که یک چهارم عوائد جرم است باید بینم در کدام یک از درجات است و حسب همان در کیفری ۱ یا ۲ مطرح می‌رود که غالباً می‌رفت در صلاحیت کیفری ۱ ولی ممکن بود با کیفرخواست به کیفری ۲ بیاید یا حتی درجه ۷ شود و مستقیم به کیفری ۲ بیاید.

این اختلاف وجود داشت تا اینکه رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ در سال ۱۳۹۶ آمد که هر جا مجازات نقدی شناور و نسبی است (و حبس هم کنار آن نیست چون اگر باشد حبس ملاک است) این جرم درجه ۷ محسوب و مستقیماً در کیفری ۲ رسیدگی می‌شود.

مجازات پولشویی

۱. ضبط مال ۲. جزای نقدی (بعلاوه استرداد مال از حیث حقوقی)

جزای نقدی: یک چهارم عوائد جرم اعم از اینکه عوائد ناشی از جرم منشأ باشد یا اضافه بر آن عوائد حاصل از جرم پولشویی هم باشد. مثلاً اگر کسی ۲۰ میلیون کلاهبرداری کرده و لذا ۲۰ میلیون عائدۀ مستقیم دارد. حال روی این ۲۰ میلیون کار می‌کند و بیش‌تر می‌شود. یا ممکن است کم‌تر شود. مجازات جرم پولشوئی برای او یک چهارم عائدات اصلی و فرعی یعنی یک چهارم از ۴۰ میلیون می‌شود.

۲. پس قانون آیین دادرسی کیفری جدید، م ۱۱ ق پولشویی را نسخ کرده.

یا مثلاً اگر کسی ۴۰ میلیون اختلاس کند و این ۴۰ میلیون را بعداً کار کند و تبدیل کند به ۱۰۰ میلیون. اینجا دو برابر ۴۰ میلیون (یعنی ۸۰ میلیون) که جزای نقدی اختلاس است. یک چهارم از ۱۰۰ میلیون (یعنی ۲۵ میلیون) هم مجازات پولشوئی است.

اما اگر این مختلس با ۴۰ میلیون کار کرد ولی ورشکست شد و لذا کم‌تر شد و تبدیل شد به ۱۰ میلیون؛ در اینجا ما جزای نقدی آن را یک چهارم از ۴۰ میلیون حساب می‌کنیم. (نه از ده میلیون) چون مجازات هیچ وقت از عائد اصلی کم‌تر حساب نمی‌شود.

نکته

در پولشوئی، تعدد مشابه امکان ندارد؛ لذا اگر کسی ۱۰ بار پولشوئی کرد (نسبت به یک مال) ما مجموع عائدات را حساب می‌کنیم و یک چهارم از کل آن را حساب می‌کنیم. (مثل چک بلامحل و ارتشاء که در آنها هم تعدد مشابه محال است)

نکته

صورت‌های مختلف را بررسی می‌کنیم:

- ۱- اگر جرم منشأ را هوشنگ و پولشوئی روی عوائد را کیانوش انجام دهد: اصلاً بحث تعدد مطرح نیست.
 - ۲- اگر جرم منشأ و جرم پولشوئی را هر دو را هوشنگ انجام دهد: تعدد جرم می‌شود (از م ۹ استفاده می‌شود).
 - ۳- در خود پولشوئی اگر هوشنگ هم انتقال هم اخفاء و هم تبدیل انجام داده، ما همه را با هم یک جرم حساب می‌کنیم و او را به ارتکاب یک جرم پولشوئی محکوم و به یک چهارم مجموع عائدات ناشی از انتقال و اخفاء و تبدیل محکوم می‌کنیم.
 - ۴- اگر هوشنگ چند جرم منشأ انجام داده مثلاً کلاهبرداری، اختلاس، رشوه و در هر کدام پولشوئی هم کرده اینجا هم تعدد است. یعنی: کلاهبرداری + پولشوئی کلاهبرداری + اختلاس + پولشوئی اختلاس + رشوه + پولشوئی رشوه. لذا به ارتکاب شش جرم محکوم خواهد شد.
- البته می‌توان پولشوئی کلاهبرداری و پولشوئی اختلاس و پولشوئی رشوه را با هم یک پولشوئی حساب کنیم. (البته در ضبط و استرداد باید آنها را جدا کنیم.)

نکته

در تعدد جرم منشأ با پولشوئی باید طبق م ۱۳۴ قانون مجازات، مجازات اشد را اجرا کرد (البته در لایحه جدید مبارزه با پولشوئی که در حال تدوین است پیش بینی شده که جمع مجازات بشود) لذا تبصره ۳ ق مبارزه با پولشوئی که جمع مجازات را مقرر نموده، به موجب ماده ۱۳۴ منسوخ است.

نکته

پولشویی به موجب رأی وحدت رویه شماره ۷۵۹ مورخ ۱۳۹۶، درجه ۷ محسوب می‌شود. ولی این فقط نسبت به صلاحیت است. لذا وقتی بخواهیم تخفیف و تشدید و ... اعمال کنیم باید ببینیم مقدار آن جزای نقدی در کدام درجه از درجات ماده ۱۹ قرار می‌گیرد و نسبت به همان درجه عمل کنیم. مثلاً اگر ۱۰۰۰ میلیارد پولشویی بود از حیث صلاحیت، درجه ۷ می‌گیریم ولی در تخفیف، آن را درجه ۱ حساب می‌کنیم و دو درجه می‌توانیم تخفیف دهیم. (نظر استاد) در کلاهبرداری هم همین حرف را می‌زنیم. پس رأی وحدت رویه فقط نسبت به صلاحیت است نه اعمال مجازات.

نکته

ضبط مال در قانون گاهی به معنای مجازات و گاهی استرداد است.

نکته

اگر مرتکب، با عائدات جرم، پولشویی کرده و آن‌ها را افزایش داده، مثلاً ۲ میلیارد اختلاس کرده و بعد آن را تبدیل به ۵۰ میلیارد کرده این‌جا مال اصلی را که باید به مال باخته برگرداند لذا ۲ میلیارد را باید به دولت برگرداند اما نسبت به ۴۸ میلیارد اضافی دو تلقی می‌توان داشت: ۱. به نفع دولت ضبط شود. ۲. مقدار اضافی را باید به مال باخته برگرداند. لذا اگر از هوشنگ ۲ میلیارد، از کیانوش کلاهبرداری کرد و بعد آن را تبدیل به ۵۰ میلیارد کرده این‌جا ۲ میلیارد که مال اصلی مورد جرم بود را به کیانوش باید داد ولی نسبت به ۴۸ میلیارد، طبق نظر اول آن را باید به دولت داد و طبق نظر دوم آن را باید به کیانوش بدهیم. نظر دوم بهتر است. اینکه بخواهیم مقدار اضافی را به دولت بدهیم. خودش جرم‌زاست و دولت تشویق می‌شود که اجازه پولشویی به مردم بدهد تا از عائدات آن منتفع شود.

نکته

ردّ با استرداد و ضبط فرق دارد. ضبط با یک نامه انجام می‌شود. ولی ردّ نیاز به دادخواست و تشریفات دارد. چند اصطلاح داریم: مصادره خاص (اموال ناشی از جرم)، مصادره عام (کل اموال)، ضبط دائم (تملک دولت نسبت به مال)، ضبط موقت (توقیف) که ضبط دائم همان مصادره خاص است. گاهی ضبط، مجازات است آن وقتی است که به نفع دولت باشد.

شروع به جرم

شروع به پولشویی نداریم چون مجازاتش فقط جزای نقدی است. (م ۱۲۷).

آثار تبعی

الزامی بودن انتشار حکم محکومیت قطعی، ممنوعیت‌های تعلیقی و ... در جرم پولشویی تابع جرائم اقتصادی است.

معاونت

مجازات معاونت پولشویی را براساس درجه ۷ حساب نمی‌کنیم، بلکه جزای نقدی اش هر درجه‌ای باشد با همان درجه حساب می‌شود.

جلسه ۶

قانون اخلال‌گران نظام اقتصادی مصوب ۱۳۶۹

در قانون اخلال‌گران نظام اقتصادی، جرائمی که آمده جدید نیست و در قوانین قبلی وجود داشته ولی مجازات‌های قبلی در این قانون تشدید شده.

چند اشکال در این قانون:

۱. ابهام در مفهوم و محتوای قانون ۲. عدم ارائه تعریف قانونی مناسب ۳. ابهام در تعیین مصادیق ۴. ناهماهنگی عنوان و محتوا ۵. ضعف مبنائی نظریه مداخله کیفری ۶. رویکرد ابزاری به مداخله کیفری ۷. نامشخص بودن ارزش‌های اقتصادی ۸. عوام‌فریبی در وضع قانون ۹. ناکارآمدی ضمانت اجرای ۱۰. عدم تناسب مجازات‌ها. با توجه به این اشکالات، الان خیلی‌ها معتقدند این قانون باید نسخ شود.

نظام اقتصادی:

مجموعه منسجمی از نهادهای حقوقی و اجتماعی که در آن انواع وسائل و امکانات فنی جهت برقراری عدالت اقتصادی به کار رفته - مجموعه بنیان‌های مختلف متجانس که براساس عناصر مشخصه‌ی مربوط به هدف انگیزه هم‌چنین چهارچوب فعالیت یا روش یا تکنیک تولید به وجود می‌آید.

نظام‌های اقتصادی چهار دسته می‌باشند: ۱. سرمایه‌داری ۲. متمرکز (سوسیالیستی) ۳. مختلط ۴. اسلامی
ما مختلط هستیم ولی نقش دولت هم پررنگ است. لذا فسادهای اقتصادی دولتی زیاد است.

اخلال: آشفستگی، بی‌برنامه‌گی، و ...

پس کسی که سبب آشفستگی نظام اقتصادی شود ممکن است مشمول این قانون شود.

مجازات:

الف) اعدام: شرط تحقق چنین مجازاتی براساس رکن معنویست. به موجب ماده ۲ در سه صورت شخص مستوجب اعدام است: قصد ضربه زدن نظام، قصد مقابله با نظام، علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام. به عبارتی سوء نیت خاص مرتکب او را مشمول مجازات اعدام می‌نماید.

(این قانون برای جرائم عمده بود ولی با اصلاحیه سال ۹۴ که برای شرکت‌های هرمی کردند و بند «ز» را اضافه کردند به هم ریخت و غیر عمده هم وارد شد).

- «اخلال در نظام» آیا نظام سیاسی است یا اقتصادی. در این قانون «نظام سیاسی» منظور نیست بلکه نظم اقتصادی منظور است. یعنی نظام اقتصادی که مجموعه نظام پولی و ارزی و تولیدی و ... زیر مجموعه‌های آن هستند. ابتدائاً نظام اقتصادی مورد نظر مجرم است ولی غالباً منجر به مقابله با نظام سیاسی هم می‌شود. لذا اگر قصد خاص مقابله با حکومت داشت می‌شود اعدام. (در ماده ۲ مراد از نظام، نظام سیاسی جمهوری اسلامی است.)

ب) حبس: برای کسانی که سوءنیت خاص یعنی آن سه مورد قصد مقابله نظام و ... را ندارد، ۵ تا ۲۰ سال حبس در نظر گرفته شده. لذا عبارت «در غیر این صورت»، که در ماده ۲ آمده یعنی در غیر آن سه مورد بالا، لذا مرادش این نیست که اگر در آن سه مورد در حد افساد نبود ۵ تا ۲۰ سال حبس باشد. پس اینکه موارد ماده ۱ را انجام دهد و در حد افساد نباشد ممکن نیست چون در همه موارد ماده ۱ عمده بودن شرط است لذا نمی‌شود در حد افساد نباشد.

پس رفتارهای ماده ۱:

اگر به قصد ضربه زدن نظام، قصد مقابله با نظام، علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام: اعدام (ماده ۲).

اگر عمده و گسترده باشد: ماده ۱

و الا: طبق قوانین خاص مثل قانون مجازات و ... عمل می‌شود.

ج) ضبط مال:

ضبط مال مجازات است و با رد مال که نوعی محکومیت حقوقی است متفاوت است. ضبط مال را قانون‌گذار در

معنای مجازات مالی، به نفع دولت پیش‌بینی کرده، نه محکومیت حقوقی در قالب رد مال.^۴

د) شلاق:

۳ تبصره ۱ م ۲ ق اخلال که در سال ۸۴ الحاق شده اصلاً کاری با غیرعمده‌ها نداشت و برای شرکت‌های هرمی آمد. و می‌خواست بگوید شرکت‌های هرمی همیشه عمده و اخلال نیستند ولی دید که نمی‌تواند فقط در شرکت‌های هرمی این حرف را بزند لذا به صورت کلی برای همه‌ی جرایم گفت که همیشه عمده نیستند و اگر عمده نبود حبس ۷ ماه تا ۳ سال.

۴. البته اصل و عین مال را باید رد کند، البته در رشوه و احتکار و جعل و ... ضبط مال است. در شرکت‌های هرمی رد مال است. در

پولشویی بخشی از ضبط حقوقی بود.

در قانون اخلال گران در ماده ۲ اشاره دارد، دادگاه می‌تواند علاوه بر حبس، شلاق هم بدهد آن هم در انظار عمومی. آیا شلاق اضافه بر مجازات حبس و هم‌چنین اعدام، قابلیت اعمال دارد یا تنها مختص قسمت دوم ماده ۲ در باب مجازات حبس تعزیری است؟ جمع مجازات حدی (اعدام) و تعزیری (شلاق) معنا ندارد لذا فقط مخصوص حبس است.

مجازات تکمیلی:

در تبصره ۴ ماده ۲، مرتکبین این جرایم را مشمول مجازات‌های تتمیمی یا تکمیلی دانسته است، که حسب مورد محرومیت از هرگونه خدمات دولتی یا انفصال ابد است. بدیهی است محرومیت، مشمول غیر کارکنان دولت است و انفصال مشمول کارکنان دولت است.

آیا این مجازات تکمیلی به معاونت هم تسری دارد؟ با صراحت این تبصره «کلیه شکل‌ها و معاونین» منعی در تسری نیست.

مجازات تکمیلی در اینجا الزامی است. ولی در برخی جرائم مجازات تکمیلی اختیاری است.

شروع به جرم:

در قانون اخلال گران شروع به جرم را در تبصره ۳ ماده ۲ آورده و مجازات را حسب مورد برای مرتکب جرم ناقص تعیین نموده. مثلاً شروع به جرم قسمت اول ماده ۲ را ۱ تا ۳ سال حبس و ۵۰۰ هزار تا ۵ میلیون ریال جزای نقدی در نظر گرفته.

الان آیا م ۱۲۲ قانون مجازات را باید عمل کنیم یا تبصره ۳ ماده ۲ را؟ اداره حقوقی می‌گوید ۱۲۲ سیستم جدید است. و باید به آن عمل کرد. اما به نظر می‌رسد رابطه‌ی این‌ها عام و خاص است و عام موخر ناسخ خاص مقدم نیست.

نقش مرتکب

قانون‌گذار مباشرت، مشارکت، معاونت را آورده. اشخاص حقیقی و حقوقی را هم آورده ولی در مجازات شخص حقوقی قبلاً مشکل داشتیم که چطور اجرا کنیم. ولی الان طبق ماده ۲۰ قانون مجازات مشکل نداریم.

- مباشرت و مشارکت در کشفش مشکلی نداریم اما در معاونت، در این قانون به دو شکل پیش‌بینی شده: یکی رفتارهای ایجابی و یکی رفتارهای سلبی. رفتارهای م ۱۲۶ ق مجازات مثل تحریک و ... رفتار ایجابی هستند ولی سکوت و خودداری هم می‌تواند معاونت در جرم باشد. (مسئولیت ذی ربط اگر بعد از جرم مطلع شوند و خبر ندهند می‌شود ماده ۶۰۶ قانون تعزیرات و اگر در حین جرم مطلع شوند و خبر ندهند معاونت می‌شود و ذیل تبصره ۲ ماده ۲ می‌شود).

ممنوعیت تعلیق و تخفیف

در تبصره ۵ ماده ۲ آمده. مجازات اعدام که حدی است ذاتاً قابل تخفیف و تعلیق نیست. اما در سائر مجازات‌ها هم ممنوع شده.

مرجع صالح به رسیدگی

در قانون اخلال‌گران مراجع قضایی مختلفی ممکن است صلاحیت داشته باشند. رای وحدت رویه شماره ۷۰۴ مورخ ۱۳۸۶ مقرر داشته رسیدگی به جرایم مذکور در ماده ۱ در صورتی که طبق ماده ۲ به قصد ضربه زدن به نظام و ... باشد در صلاحیت دادگاه انقلاب و در سایر موارد در صلاحیت محاکم عمومی است.

البته برخی از این جرایم مثل قاچاق در صلاحیت انقلاب هستند. بقیه جرایم در صلاحیت کیفری ۱ و ۲ و سازمان تعزیرات حکومتی است. در غیر عمده‌ها بسیاری موارد در صلاحیت تعزیرات حکومتی است (چون قانون موخر داریم).

جلسه ۷

رفتارهای مذکور در ماده ۱:

مهم‌ترین آن‌ها را بررسی می‌کنیم:

۱. قاچاق ارز

سال ۹۲ ق مبارزه با قاچاق کالا و ارز تصویب شد و یک سری مباحث شد تخلف و در صلاحیت تعزیرات حکومتی است و یک سری هم جرم و صلاحیت دادگاه انقلاب. قانون سال ۹۲ هم قاچاق عمده را می‌گیرد هم غیر عمده. و هم ارز را می‌گیرد هم کالا. لذا با قانون اخلال‌گران باید با هم لحاظ شود. چند فرض می‌توان گفت: ق مبارزه موخر است و ق اخلال‌گران مقدم است و هر دو مصوب مجلس لذا هر جا تعارض بود قانون موخر را باید عمل کنیم. در قاچاق غیر عمده که قطعاً در ق مبارزه‌ی سال ۹۲ می‌رود. علی‌رغم این که در سال ۸۴ غیر عمده را هم در تبصره ۱ ماده ۲ الحاق کرد به قانون اخلال‌گران ولی این تبصره هم با قانون سال ۹۲ نسخ می‌شود. پس تبصره ۱ ماده ۲ ق اخلال‌گران، با قوانین بعدی نسخ شده است (هر جا که با قوانین بعدی هم‌پوشانی و تعارض کند).

اما در عمده آیا مشمول ق اخلال‌گران است یا ق مبارزه؟ م ۳۰ ق مبارزه مجازات را در جایی که به قصد براندازی نظام باشد احاله داده به ق اخلال‌گران،

در م ۳۰ کسی که قصد مقابله دارد، فرقی ندارد که عمده باشد یا نباشد در هر صورت آن را احاله می‌دهد به مجازات ق مجازات اخلال‌گران و خود نویسندگان قانون هم گفتند چون ق اخلال‌گران فقط عمده را می‌گرفت لذا م ۳۰ را آوردیم تا غیر عمده را هم بگیرد. البته در م ۳۰ گسترده بودن شرط است و آثار و خسارات باید گسترده باشد. قاچاق عمده که به قصد مقابله نباشد، غالباً مشمول ق اخلال‌گران می‌شود.

پس قاچاق:

به قصد مبارزه با نظام و فساد باشد: چه عمده غیر عمده م ۳۰ ق مبارزه می‌گوید مجازات م ۲ ق اخلال یعنی اعدام.

به قصد مبارزه با نظام و افساد نباشد: غیرعمده: فقط ق مبارزه عمل می‌شود.
عمده: غالباً به ق اخلاق عمل می‌شود.

نکته

م ۳۱ ق مبارزه نگاهش به جرمی است که شبیه پولشویی است. لذا جرمی است که مؤخر از قاچاق رخ می‌دهد. این جرم با پولشویی هم‌پوشانی دارد. اما آیا این جرم را می‌توان در ق اخلاق‌گران هم پیدا کرد؟ در ق اخلاق‌گران می‌گوید قاچاق و جعل و «امثال آن» از همین کلمه‌ی «امثال» برخی می‌گویند شامل پولشویی و جرم ثانوی و مؤخر از قاچاق و قلب سکه و ... هم می‌شود.

نکته

جرایم ق اخلاق و ق مبارزه در صلاحیت دادگاه انقلاب است. البته ق مبارزه برخی موارد را در صلاحیت تعزیرات حکومتی قرار داده.

۲. جعل

قانون سال ۶۸ را داریم که قانون تشدید مبارزه با جاعلین اسکناس واردکنندگان، توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول مصوب مجمع تشخیص. این قانون فقط ناظر به اسکناس رایج داخلی است که صدر ماده می‌گوید: «هر کس اسکناس رایج داخلی را جعل کند ... که اگر بانندی یا به قصد مقابله با نظام باشد اعدام می‌شود.» در قانون تعزیرات هم ماده ۵۲۶ درباره جعل است. و عام‌تر از همه موارد قبلی است. چون نظام اقتصادی حتماً لازم نیست باشد و اگر در وضع پولی یا بانکی هم اخلاق شود شامل می‌شود. لذا از قانون اخلاق عام‌تر است. پس سه مقرر در بحث جعل اسکناس داریم. یکی که مصوبه مجمع است و گفته می‌شود مصوبه مجلس آن را نمی‌تواند نسخ کند و لذا در اسکناس داخلی می‌توان گفت به قانون ۱۳۶۸ عمل کنیم. و اگر اسکناس خارجی باشد به ۵۲۶ عمل می‌کنیم.

البته توزیع کردن در ۵۲۶ نیامده ولی در ق اخلاق‌گران آمده لذا در «اسکناس خارجی در بحث توزیع» به ق اخلاق‌گران عمل می‌کنیم.

پس جعل اسکناس: داخلی: ق سال ۶۸

خارجی: توزیع: ق اخلاق‌گران

غیرتوزیع: م ۵۲۶ ق تعزیرات

- قلب سکه مشمول ۵۲۶ نیست لذا به ق اخلاق‌گران عمل می‌شود چون در ۵۲۶ ذکر نشده.

۳. گران‌فروشی

ماده ۵۷ قانون نظام صنفی اشاره به گران‌فروشی دارد که این قانون در ۱۳۸۲ تصویب شده. ماده ۵۷ مقرر داشته: «گران‌فروشی: عرضه یا فروش کالا یا ارائه خدمت به بهای بیش از نرخ‌های اعلام شده به وسیله مراجع قانونی ذی‌ربط عدم اجرای مقررات و ضوابط قیمت‌گذاری و انجام دادن هر عملی که منجر به افزایش قیمت کالا یا خدمات به زیان خریدار می‌شود».

قانون می‌گوید گران‌فروشی باید اخلال در مایحتاج عمومی ایجاد کند (در ق اخلال گران نظام اقتصادی) اما منظور از مایحتاج عمومی را ننگفته. لذا بیش‌تر سراغ کالاهای اساسی می‌رویم مثل برنج روغن، قند و شکر یعنی آن‌چه همه نیاز دارند نه چیزهایی که یک نفر ممکن است مصرف کند و دیگری آن را مصرف نکند. لذا آن‌چه غالب مردم به آن نیاز دارند که بیش‌تر در حوزه غذایی مطرح می‌شود نه پوشاک و ...

در ماده ۵۷ باید قیمتی مصوب شده باشد. نظام‌های صنفی قیمت را پیشنهاد می‌دهند و دولت تصویب می‌کند. لذا باید قیمت قانونی و پایه که مصوب مراجع قانونی باشد وجود داشته باشد و در غیر این صورت نمی‌شود ورود کرد. البته دولت گاهی قیمت تمام شده را اعلام می‌کند و حداکثر سود را هم اعلام می‌کند.

کم‌فروشی، تقلب، فروش اجباری، عدم درج قیمت، عدم صدور صورت‌حساب، بحث‌های راجع به کمیت و کیفیت مشمول سایر مواد قانون نظام صنفی است و مشمول گران‌فروشی نمی‌شود. و همگی جرم است. در ماده ۵۷ گران‌فروشی تخلف است و مرجع رسیدگی آن براساس قانون حمایت از مصرف‌کنندگان سازمان تعزیرات حکومتی است. اما در ق اخلال گران، اخلال در نظام اقتصادی از طریق گران‌فروشی اگر در امر مایحتاج عمومی می‌باشد جرم‌انگاری شده.

قانون اخلال گران با ماده ۵۷ ممکن است هم‌پوشانی داشته باشد می‌توان گفت:

گران‌فروشی: ۱. اگر موجب اخلال در نظام اقتصادی نشد: مشمول قانون نظام صنفی است و تخلف است و اصلاً جرم نیست. (که غالباً و ۹۹ درصد عمده نیست).

۲. اگر موجب اخلال در نظام اقتصادی شد:

الف) اگر عمده باشد و در مایحتاج عمومی، چه از ناحیه کسانی که مشمول صنوف هستند چه نیستند: مشمول قانون اخلال گران است.

ب) اما اگر عمده نبود: چنانچه در صنوف باشد مشمول قانون نظام صنفی و اگر نباشد مشمول تبصره ۱ ماده ۲ قانون اخلال گران است.

نکته:

گران‌فروشی همیشه با فعل مثبت است و با ترک فعل ممکن نیست. کلان بودن فقط در میزان مجازات تأثیر دارد. تغییر قیمت اگر ناشی از تورم و ... باشد از محل بحث خارج است.

۴. انحصار

انحصار یعنی وضعیتی که در آن وضعیت، تولیدکننده یا توزیع‌کننده‌ی واحد یا معدود سرنوشت تولید یا عرضه کالا یا خدمت خاصی را به دست گرفته و روابط عرضه و تقاضا را در بازار به نفع خود و به زیان مصرف‌کننده بر هم می‌زند. انحصار گاهی دولتی گاهی غیردولتی. گاهی یک قطبی، گاهی چند قطبی، گاهی مستقیم و گاهی غیر مستقیم است.

انحصار همیشه به معنای ناروا نیست. بسیاری از موارد انحصارها در اختیار دولت قرار می‌گیرد. مثلاً چاپ اسکناس اخذ مالیات و نفت و گاز و ...

بند ب ماده ۱ ق اخلال‌گران رکن مادی پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آن است

سؤال: در پیش خرید هنوز کالایی وجود ندارد که شخص بخواهد انحصار ایجاد کند. لذا نهایتاً در حد شروع به جرم است.

ج: پیش خرید تا زمانی که منجر به تولید شده نمی‌تواند سبب انحصار شود لذا این ایراد به قانون هست. و نباید پیش خرید را جرم دانست مثل رشوه که صرف پیشنهاد جرم نیست. ولی قانون‌گذار در این جا آورده ولی به نظر ما این کار قانون‌گذار اشتباه است.

سؤال: تولیدات کشاورزی چیست؟ آیا در حوزه دامی هم است؟ دارویی هم است؟ انسانی است؟ می‌توانیم براساس آن چه در ما یحتاج عمومی گفتیم این جا هم بگوییم منظور قانون‌گذار کالاهایی مثل برنج و گندم و چای بوده. و همه‌ی شقوق و کالاهای کشاورزی مدنظر نبوده چون منظور قانون‌گذار در فرازهای قبلی هم همین موارد بوده.

«سایر تولیدات» که در بند ب ماده ۱ آمده یعنی تولیداتی که مورد نیاز عامه است در همه‌ی حوزه‌های دارویی و صنعتی و ... به شرطی که غالب مردم به آن احتیاج داشته باشند نه اینکه فقط دسته‌ی خاصی به جهت بیماری یا ... به آن نیاز داشته باشند.

۵. احتکار:

ماده ۶۰ قانون نظام صنفی: «احتکار عبارتست از نگهداری کالا به صورت عمدی با تشخیص مراجع ذی صلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت بازرگانی یا سایر مراجع قانونی.»

سؤال: احتکار در دو مقرر آمده یعنی ماده ۶۰ قانون نظام صنفی و قانون اخلال‌گران. مشکل اینجاست که در هر دو قید «عمده» آمده.

جواب: در فقه و حقوق غالباً کُشمش و برنج و خرما و ... را موضوع احتکار می‌دانند. قانون نظام صنفی کلیت دارد و همه کالاها را شامل می‌شود. ولی ق اخلال می‌گوید: «ارزاق و مایحتاج عمومی» لذا محدودتر است.

از حیث موضوع می توان تفکیک دهیم : در غیر ارزاق و مایحتاج عمومی می رود در ق نظام صنفی (آن هم اگر صنفی باشد و شرایط آن قانون را داشته باشد). اما در ارزاق و مایحتاج عمومی، چنانچه در صنف باشد می رود در ق نظام صنفی و اگر در صنف نباشد، می رود در ق اخلاق گران.

اگر احتکار عمده نباشد، نگاه قانون گذار این است که احتکار به صورت غیر عمده اصلاً قابل تحقق نیست. (البته ممکن است کسی بگوید احتکار غیر عمده اگر صنفی باشد جرم نیست و اگر صنفی نباشد در تبصره ۱۰ ماده ۲ ق اخلاق گران ببریم. ولی این نظر درست نیست).

نکته ها:

ده ها مقرر در باره احتکار قبلاً داشتیم که با این دو ماده ی ق نظام صنفی و ق اخلاق گران همگی نسخ شده اند. در احتکار ترکیبی از فعل مثبت و منفی است. نگهداری کالا فعل مثبت و خودداری از عرضه ترک فعل است. کالایی که انبار و نگهداری کرده اگر از کالاهای ممنوعه باشد قاچاق می شود. شرط تحقق جرم اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت بازرگانی یا سایر مراجع قانونی است. در احتکار لازم نیست منجر به نایاب شدن کالا شود بلکه قابلیت داشتن آن کافی است. برخی احتکار را جرم مستمر می دانند و برخی استمرار یافته (یعنی آثار آن ادامه می یابد نه خود جرم) که نظر دوم درست تر است.

جلسه ۸

۶. رشا و ارتشاء

در بند ج «رشا و ارتشای عمده در امر تولید یا اخذ مجوزهای تولیدی اگر موجب اخلاق در ... شود» آمده. م ۵۹۲ قانون تعزیرات، رکن قانونی رشاست که جایگزین م ۳ ق تشدید شد و علاوه بر ضبط مال، ۶ ماه حبس تا ۳ سال و یا تا ۷۴ ضربه شلاق اضافه کرد.

ماده ۵۹۳ وساطت در ارتشاست (رائش).

ماده ۵۴۰ شروع به ارتشاست.

۵۸۸ تسری ارتشا به داوران و ممیزان و کارکنان شورای حل اختلاف و کارشناسان

۵۳۹ هم مربوط به پزشکان است.

۵۸۹ ارتشای قضات محاکم کیفری است.

۵۹۰ رشا و ارتشا که موضوع جرم غیر از وجه نقد است در قالب قراردادها و عقود.

بند ج ماده ۱ ق اخلاق گران رشا و ارتشای عمده در امر تولید.

قانون ارتقاء سلامت اداری و مدیریت خدمات کشوری و آیین نامه های مختلف هم در رشا و ارتشا داریم.

رشا ممکن است از سوی کارکنان دولت و غیر آنان رخ دهد. ارتشا فقط از ناحیه کارکنان دولت است. اگر نظامی بود

به ماده ۱۱۸ قانون مجازات نیروهای مسلح و کارمندان دولت به ماده ۳ یا ۵۸۹ یا ۵۸۸ یا ۵۳۹.

نیروهای مسلح: اگر در رابطه با وظایف خاص نظامی ارتشا کنند: طبق ماده ۱۱۸ و سازمان قضایی باید رسیدگی کند.

اگر در مقام ضابط باشند: دادگاه عمومی کیفری صالح است. ولی به نظر می‌رسد باز هم طبق م ۱۱۸ باید عمل کنند.

اگر در جایگاه اداری مثل بخش‌داری و رئیس اداره و ... باشند: هم از لحاظ شکلی و هم ماهوی طبق جرایم عمومی رسیدگی می‌شود.

نکته

«پرداخت و دریافت وجه نقد و انتقال وجه نقد که کارکنان دولت جهت انجام یا خودداری از انجام عملی در سازمان متبوع که از وظایف اوست» رشا و ارتشاست.

برخی کشورها می‌گویند اگر آن عمل وظیفه خود او باشد ارتشا و اگر وظیفه همکاران او در آن سازمان باشد اعمال نفوذ است. ولی در ایران می‌گویند چه وظیفه خودش باشد چه سایر وظایف دیگر کارکنان آن سازمان ارتشاست. (الان قانون در حال اصلاح است تا قسم دوم بشود اعمال نفوذ)

سازمان متبوع تفسیر مضیق آن جایست که کارمند در آن اشتغال دارد و می‌تواند انجام وظیفه کند. لذا کارمند شهرداری منطقه ۱ تهران نسبت به تمام مناطق ۲۲گانه ی تهران، سازمان متبوعش حساب می‌شود ولی نسبت به شهرداری اصفهان سازمان متبوع او نیست. تفسیر موسع می‌گویند تمام تشکیلات اداری لذا قاضی دادگستری تهران نسبت به کاری که در دادگستری اصفهان می‌شود یا کارمند شهرداری تهران نسبت به کاری که در شهرداری اصفهان انجام می‌شود هم می‌تواند مشمول رشوه باشد یا قاضی نسبت به کاری که سازمان ثبت یا پزشکی قانونی انجام می‌شود.

به نظر می‌رسد تفسیر منطقی، تفسیر مضیق باشد.

در رشا و ارتشاء توافق شرط است. هدیه، انعام و ... مشمول رشا و ارتشاء نیست. چون توافق قبلی بر انجام عمل یا خودداری از آن در قبال دریافت وجه و ... وجود ندارد. احراز توافق می‌تواند با تکرار ملاقات‌ها یا واریز وجه به حساب یا صدور مجوز و ... باشد.

وعده و پیشنهاد جرم نیست. شروع به جرم هم نیست. شروع به ارتشا در قانون پیش‌بینی شده ولی شروع به رشا نداریم. تا قبل از سال ۹۲ می‌گفتیم قانون‌گذار در قانون تعزیرات گفته «اگر رشا جرم کامل شد و تحقق یافت آن‌گاه شروع به ارتشاء قابل تحقق است و جرم انگاری شده. ولی شروع به رشا چون ارتشا در آن معنا ندارد لذا جرم نیست. و ممکن نیست». در سال ۹۲ شروع به جرم را در مطلق جرایم آورده. ولی در برخی جرایم مثل توهین اصلاً شروع قابل تحقق نیست. در رشا و ارتشا هم چون با هم ملازمه دارند تا وقتی رشا محقق نشود شروع به ارتشاء قابل تحقق نیست. لذا شروع به ارتشا قابل تصور است. (وقتی که رشا به صورت کامل قبلاً محقق شده باشد). ولی شروع به رشا قابل تصور نیست. (چون ارتشا در آن امکان ندارد). لذا ۹۰ درصد اساتید معتقدند شروع به رشا قابل تحقق نیست.

برخی دیگر می‌گویند با توجه به م ۱۲۲ کار نداریم قابل تصور و تحقق هست یا نیست بلکه شروع به جرم در رشا هم داریم. برخی کشورها برای حل مشکل وعده پیشنهاد را جرم‌انگاری کرده‌اند که در لایحه جدید هم همین آمده و شاید تصویب شود.

پرداخت و دریافت وجه نقد که معلوم است. اما انتقال درم ۵۹۰ تفاوت دارد. گاهی کارکنان دولت در مقام ارتشا مالی را از دیگری بر قیمت کم‌تر از قیمت واقعی انتقال می‌گیرند یا گران‌تر انتقال می‌دهند.

در رشا و ارتشای مستقیم واسطه‌ای بین راشی و مرتشی نیست. اما اگر واسطه وجود داشته باشد این واسطه یا به صورت معاونت است یا وساطت یا جاهل دارای حسن نیت (مثلاً مادر یا رییس دفتر که اطلاعی از جرم ندارد. مثلاً راشی به منشی دفترش می‌گوید برو پاکت را از راشی بگیر بیاور و او هم اصلاً خبر ندارد. برخی در این جا واسطه را مرتشی می‌گیرند و رئیس اداره را معاون ارتشاء در حالیکه این اشتباه است چون واسطه اصلاً جاهل بوده و خبر نداشته).

معاونت، طرفینی نیست و همیشه یا نسبت به راشی است یا نسبت به مرتشی. ولی در وساطت موضوع ماده ۵۹۴ وساطت طرفینی است (لذا نوعی معاونت طرفینی است) لذا مشمول ۱۲۶ نمی‌شود.

تفاوت ارتشا با اعمال نفوذ چیست؟

طراحی نفوذ، معامله نفوذ: انفعالی: جرم انگاری شده

فاعلی: متقاضی نفوذ: جرم انگاری نشده.

مدعی نفوذ: اعم از این که واقعی باشد یا واهی، اعمال نفوذ است

اگر مدعی نفوذ از کارکنان سازمان متبوع باشد ارتشا و اگر نباشد اعمال نفوذ است.

برخی می‌گویند اعمال نفوذ از مصادیق کلاهبرداری است. ولی این نظر اشتباه است. چون اگر ادعا غیرواقعی و واهی باشد و وارد صحنه سازی و اقدامات اجرایی شود از مصادیق کلاهبرداری است (و اعمال نفوذ نیست لذا طبق قانون تشدید مجازات می‌کنیم). ولی اگر ادعا واقعی نباشد یا وارد اقدامات اجرایی نشود دیگر کلاهبرداری نیست و فقط اعمال نفوذ است.

رشا و ارتشاء مقید به انجام کار توسط مرتشی نیست. لذا به محض دریافت و انتقال جرم محقق می‌شود. لذا مطلق است. ولی در قانون اخلال گران رشا و ارتشاء اولاً عمده است. ثانیاً مقید به نتیجه‌ی اخلال در سیاست‌های تولیدی کشور است.

به موجب تبصره ۷ قانون اخلال گران، چون در ارتشا و رشای غیرعمده مجازات قانون تشدید، شدیدتر است لذا قانون تشدید بر تبصره ۱ ماده ۲ قانون اخلال گران در غیر عمده‌ها مقدم می‌شود. بعلاوه اینکه مصوب مجمع تشخیص هم هست.

منظور از «سوء استفاده» در بند ج ماده ۱، نادیده انگاشتن مقررات است. هر چند قانون‌گذار مشخص نکرده.

«تخلف از تعهدات»، مثلاً تعهد به فروش کالا داشت ولی آن را نفروخت. یا مثلاً مواد اولیه را وارد کرد تا جنس بسازد ولی آنرا ببرد و بفروشد.

در بند ج در هر سه مورد غالباً رفتار ایجابی است. البته با ترک فعل هم می‌شود مثلاً صادر نکردن در جایی که تعهد به صدور داشت. لذا تخلف از تعهد غالباً ترک فعل است و فروش غالباً با فعل مثبت است.

۷. شرکت‌های هرمی

از سال ۸۴ قانون‌گذار جرایم شرکت‌های هرمی را پیش‌بینی کرد. قبل از آن در قالب کلاهبرداری و تحصیل مال از راه نامشروع بود و گاهی هم براءت می‌خورد. در سال ۸۴ بند ز ماده ۱ به شرکت‌های هرمی اختصاص و تصویب شد. سه رفتار در آن آمده: عضوگیری - تأسیس - قبول نمایندگی.

شرکت هرمی با بازاریابی شبکه‌ای آیا تفاوت دارد؟ آیین‌نامه‌ای در سال ۸۸ برای بازاریابی شبکه‌ای تصویب شده که در آن معلوم می‌شود در بازاریابی شبکه‌ای، شرکت به ثبت می‌رسد مدیران آن معلوم هستند سرمایه و سود آن پیش‌بینی شده. اما افزایش سود یا کسر درآمد منوط به افزایش زنجیروار اعضا نیست. اما در شرکت هرمی افزایش سرمایه و کسر درآمد از طریق شبکه‌ی زنجیرواری است.

شرکت هرمی یا سرمایه‌گذاری است یا صرف عضوگیری و افزایش تعداد.

در شرکت هرمی غالباً در ایران نمی‌توانند به عنوان شرکت مادر یا اصلی به ثبت برسند. غالباً در کشورهای جنوب شرق آسیا مستقر هستند و در ایران قبول نمایندگی و عضوگیری است.

از سال ۱۹۱۰ در روسیه و ۱۹۲۰ در فرانسه شرکت‌های هرمی تأسیس شد و این کشورها به مقابله با این شرکت‌ها پرداختند. و لذا این شرکت‌ها آمدند به کشورهایی که نظارت ضعیف‌تر است مثل کشورهای آسیایی. در ایران شرکت‌هایی مثل EVL, Goldenmaien, Goldquist و ... در حال فعالیت هستند.

اگر شرکت اساساً موجود نباشد، می‌شود شرکت‌های موهوم و می‌رود در بحث کلاهبرداری. لذا در شرکت‌های هرمی، شرکت وجود دارد. در ایران این شرکت‌ها ثبت نمی‌شوند ولی قابل تأسیس هست (البته عملاً در ایران تأسیس نمی‌شوند و تأسیس آن‌ها در خارج از کشور است).

- در بند ز، این قانون را به قوانین سابق و پرونده‌های سابق تسری نداده و گفته از ۱۳۸۴ به بعد را شامل می‌شود. لذا قبل از آن را باید در کلاهبرداری و ... ببریم.

- سه فرض پیش‌بینی شده: عمده و با سوء نیت خاص - عمده بدون سوء نیت - غیر عمده. لذا اکثر پرونده‌های شرکت‌های هرمی در محاکم کیفری رسیدگی می‌شود. (نه انقلاب) چون غالباً غیرعمده می‌گیرند. و اگر هم عمده بگیرند بدون سوء نیت می‌گیرند. تا الان فقط چند مورد خاص به دادگاه انقلاب رفته.

- در قانون سه رفتار آمده تأسیس، عضوگیری، قبول نمایندگی. هر سه رفتار ایجابی و فعل مثبت هستند.

۱. تأسیس:

سؤال: در ایران این شرکت‌ها قابل ثبت نیستند پس چرا بحث تأسیس آمده؟ جواب: مراد از تأسیس ثبت آن نیست بلکه راه‌اندازی و شروع به کار شرکت است.

۲. عضوگیری در شرکت هرمی:

در شرکت هرمی، عضو شدن صرف بدون اینکه عضوگیری نماید، جرم نیست. لذا اگر فقط عضو شده بدون اینکه عضوگیری کند، مرتکب جرم نشده.

در شرکت هرمی هر نفر چند عضو مستقیم دارد (که مستقیماً آن‌ها را جذب کرده) و چندین عضو غیرمستقیم (که عضوهای مستقیم آن‌ها را جذب کرده‌اند) در ردّ مال باید دقت کرد که ردّ مال فقط به اعضای مستقیم تعلق می‌گیرد و اعضای غیرمستقیم نمی‌توانند مطالبه ردّ مال کنند.

- وقتی شخص a به جرم عضوگیری نسبت به شخص b و شخص c تحت تعقیب قرار گرفت. اعتبار امر مختوم پیدا می‌کند. لذا نمی‌توان دوباره او را به جرم عضوگیری نسبت به D و E هم تعقیب کرد. چون وقتی a می‌رود و b و c را جذب می‌کند خود به خود هر چقدر این‌ها را عضوگیری کنند، عضوگیری برای a هم صدق می‌کند لکن قابل تعقیب مجدد نیست.

۳. قبول نمایندگی: مثلاً شرکت در مالزی تأسیس شده ولی کسی در ایران نمایندگی آن را به عهده می‌گیرد. البته ممکن است شرکتی در ایران تأسیس شود و در ایران هم عده‌ای برای آن نمایندگی بزنند.

در کل کشور در پرونده‌های شرکت‌های هرمی حتماً از دادسرای رایانه‌ای تهران ناحیه ۳۱ باید استعلام کرد که آیا این شرکت هرمی هست یا نه. اگر هست سرمایه‌گذاری است یا افزایش زنجیره‌ای اعضا. زیر مجموعه‌ها و میزان پورسانت و ... را مشخص کنید. اگر آن‌ها گفتند هرمی نیست و مشمول شرکت شبکه بازاریابی است که هیچ‌اگر گفتند چنین شرکتی اصلاً نیست باید برویم سراغ کلاهبرداری و ...

- این جرم، جرم غیرقابل گذشت است ولی ردّ مال نیاز به مطالبه دارد.

- این جرم را برخی می‌گویند مطلق است. ولی برخی می‌گویند مقید است. چون قانون گفته «افزایش زنجیروار شبکه‌ای» لذا اگر این نتیجه حاصل نشود جرم واقع نشده. لذا اگر اقدامات موجب افزایش عضو نشود این عده می‌گویند جرم عضوگیری محقق نشده ولی دسته اول می‌گویند جرم هست.

- آیا وسیله در آن شرط هست یا نه؟ برخی می‌گویند جرم به وسیله است. چون قانون گفته تا به شکل هرم در نیاید جرم واقع نشده. ولی به نظر می‌رسد جرم مبتنی بر وجود وسیله نیست.

۸. قاچاق میراث فرهنگی، مقید نیست که منجر به خارج شدن از کشور بشود.

۹. حیف و میل کردن اموال در شرکت‌های مضاربه‌ای

۱۰. پیمان‌های ارزی در بحث‌های اقتصادی

قوانین خاص مرتبط

قانون مبارزه با پولشویی

ماده ۱- اصل بر صحت و اصالت معاملات تجاری موضوع ماده (۲) قانون تجارت است، مگر آن که براساس مفاد این قانون خلاف آن به اثبات برسد. استیلای اشخاص بر اموال و دارایی اگر توأم با ادعای مالکیت شود، دال بر ملکیت است.

ماده ۲- جرم پولشویی عبارت است از:

الف - تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده باشد.

ب - تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن منشا غیرقانونی آن با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نگردد.

ج - اخفاء یا پنهان کردن ماهیت واقعی، منشا، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.

ماده ۳- عواید حاصل از جرم به معنای هر نوع مالی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از فعالیت‌های مجرمانه به دست آمده باشد.

ماده ۴- به منظور هماهنگ کردن دستگاه‌های ذی‌ربط در امر جمع‌آوری، پردازش و تحلیل اخبار، اسناد و مدارک، اطلاعات و گزارش‌های واصله، تهیه سیستم‌های اطلاعاتی هوشمند، شناسایی معاملات مشکوک و به منظور مقابله با

جرم پولشویی شورای عالی مبارزه با پولشویی به ریاست و مسوولیت وزیر امور اقتصادی و دارایی و با عضویت وزراء بازرگانی، اطلاعات، کشور و رئیس بانک مرکزی با وظایف ذیل تشکیل می‌گردد:

۱- جمع‌آوری و کسب اخبار و اطلاعات مرتبط و تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی فنی و تخصصی آنها در مواردی که قرینه‌ای بر تخلف وجود دارد طبق مقررات.

۲- تهیه و پیشنهاد آئین‌نامه‌های لازم در خصوص اجراء قانون به هیات‌وزیران.

۳- هماهنگ کردن دستگاه‌های ذی‌ربط و پیگیری اجراء کامل قانون در کشور.

۴- ارزیابی گزارش‌های دریافتی و ارسال به قوه قضائیه در مواردی که به احتمال قوی صحت دارد و یا محتمل آن از اهمیت برخوردار است.

۵ - تبادل تجارب و اطلاعات با سازمانهای مشابه در سایر کشورها در چهارچوب مفاد ماده (۱۱).

تبصره ۱- دبیرخانه شورای عالی در وزارت امور اقتصادی و دارایی خواهد بود.

تبصره ۲- ساختار و تشکیلات اجرائی شورا متناسب با وظایف قانونی آن با پیشنهاد شورا به تصویب هیات‌وزیران خواهد رسید.

تبصره ۳- کلیه آئین‌نامه‌های اجرائی شورای فوق‌الذکر پس از تصویب هیات‌وزیران برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی ذی‌ربط لازم‌الاجراء خواهد بود. متخلف از این امر به تشخیص مراجع اداری و قضائی حسب مورد به دو تا پنج سال انفصال از خدمت مربوط محکوم خواهد شد.

ماده ۵ - کلیه اشخاص حقوقی از جمله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانکها، موسسات مالی و اعتباری، بیمه‌ها، بیمه مرکزی، صندوقهای قرض‌الحسنه، بنیادها و موسسات خیریه و شهرداریها مکلفند آئین‌نامه‌های مصوب هیات‌وزیران در اجراء این قانون را به مورد اجراء گذارند.

ماده ۶ - دفاتر اسناد رسمی، وکلای دادگستری، حسابرسان، حسابداران، کارشناسان رسمی دادگستری و بازرسان قانونی مکلفند اطلاعات مورد نیاز در اجراء این قانون را که هیات‌وزیران مصوب می‌کند، حسب درخواست شورای عالی مبارزه با پولشویی، ارائه نمایند.

ماده ۷- اشخاص، نهادها و دستگاههای مشمول این قانون (موضوع مواد ۵ و ۶) برحسب نوع فعالیت و ساختار سازمانی خود مکلف به رعایت موارد زیر هستند:

الف - احراز هویت ارباب رجوع و در صورت اقدام توسط نماینده یا وکیل، احراز سمت و هویت نماینده و وکیل و اصیل در مواردی که قرینه‌ای بر تخلف وجود دارد.

- تبصره - تصویب این قانون ناقض مواردی که در سایر قوانین و مقررات احراز هویت الزامی شده است، نمی‌باشد.
- ب - ارائه اطلاعات، گزارشها، اسناد و مدارک مربوط به موضوع این قانون به شورای عالی مبارزه با پولشویی در چهارچوب آئین‌نامه مصوب هیات‌وزیران.
- ج - گزارش معاملات و عملیات مشکوک به مرجع ذی‌صلاحی که شورای عالی مبارزه با پولشویی تعیین می‌کند.
- د - نگهداری سوابق مربوط به شناسایی ارباب رجوع، سوابق حسابها، عملیات و معاملات به مدتی که در آئین‌نامه اجرائی تعیین می‌شود.
- ه - تدوین معیارهای کنترل داخلی و آموزش مدیران و کارکنان به منظور رعایت مفاد این قانون و آئین‌نامه‌های اجرائی آن.
- ماده ۸ - اطلاعات و اسناد گردآوری شده در اجراء این قانون، صرفاً در جهت اهداف تعیین شده در قانون مبارزه با پولشویی و جرائم منشا آن مورد استفاده قرار خواهد گرفت، افشاء اطلاعات یا استفاده از آن به نفع خود یا دیگری به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط ماموران دولتی یا سایر اشخاص مقرر در این قانون ممنوع بوده و متخلف به مجازات مندرج در قانون مجازات انتشار و افشاء اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۲۹، محکوم خواهد شد.
- ماده ۹ - مرتکبین جرم پولشویی علاوه بر استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مشتمل بر اصل و منافع حاصل (و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن) به جزای نقدی به میزان یک‌چهارم عواید حاصل از جرم محکوم می‌شوند که باید به حساب درآمد عمومی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز گردد.
- تبصره ۱ - چنانچه عواید حاصل به اموال دیگری تبدیل یا تغییر یافته باشد، همان اموال ضبط خواهد شد.
- تبصره ۲ - صدور و اجراء حکم ضبط دارایی و منافع حاصل از آن در صورتی است که متهم به لحاظ جرم منشا، مشمول این حکم قرار نگرفته باشد.
- تبصره ۳ - مرتکبین جرم منشا، در صورت ارتکاب جرم پولشویی، علاوه بر مجازاتهای مقرر مربوط به جرم ارتكابی، به مجازاتهای پیش‌بینی شده در این قانون نیز محکوم خواهند شد.
- ماده ۱۰ - کلیه اموری که در اجراء این قانون نیاز به اقدام یا مجوز قضائی دارد باید طبق مقررات انجام پذیرد. قوه قضائیه موظف است طبق مقررات همکاری نماید.
- ماده ۱۱ - شعبی از دادگاههای عمومی در تهران و در صورت نیاز در مراکز استانها به‌امر رسیدگی به جرم پولشویی و جرائم مرتبط اختصاص می‌یابد. اختصاصی بودن شعبه مانع رسیدگی به سایر جرائم نمی‌باشد.

ماده ۱۲- در مواردی که بین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها قانون معاضدت قضایی و اطلاعاتی در امر مبارزه با پولشویی تصویب شده باشد، همکاری طبق شرایط مندرج در توافقنامه صورت خواهد گرفت. قانون فوق مشتمل بر دوازده ماده و هفت تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ دوم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۶/۱۱/۱۷ به تایید شورای نگهبان رسید.

قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ با اصلاحات والحاقت ۱۳۸۴

ماده ۱ - ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب می‌شود و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم می‌شود:

الف - اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن.

ب - اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندیهای عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندیهای مزبور و پیش‌خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها.

ج - اخلال در نظام تولیدی کشور از طریق سوء استفاده عمده از فروش غیر مجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد یا تخلف از تعهدات مربوط در مورد آن و یا رشاء و ارتشاء عمده در امر تولید یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اختلال در سیاست های تولیدی کشور شود و امثال آنها.

د - هرگونه اقدامی به قصد خارج کردن میراث فرهنگی یا ثروتهای ملی اگرچه به خارج کردن آن نینجامد قاچاق محسوب و کلیه اموالی که برای خارج کردن از کشور در نظر گرفته شده است مال موضوع قاچاق تلقی و به سود دولت ضبط می‌گردد.

ه - وصول وجوه کلان به صورت قبول سپرده اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم یا اخلال در نظام اقتصادی شود.

و - اقدام بانندی و تشکیلاتی جهت اخلال در نظام صادراتی کشور به هر صورت از قبیل تقلب در سپردن پیمان ارزی یا تأدیه آن و تقلب در قیمت‌گذاری کالاهای صادراتی و...

ز (الحاقی ۱۳۹۴/۱۰/۱۴) - تأسیس، قبول نمایندگی و عضوگیری در بنگاه، مؤسسه، شرکت یا گروه به منظور کسب درآمد ناشی از افزایش اعضاء به نحوی که اعضاء جدید جهت کسب منفعت، افراد دیگری را جذب نموده و توسعه زنجیره یا شبکه انسانی تداوم یابد.

تبصره ۱ (الحاقی ۱۳۹۴/۱۰/۱۴) پرونده‌هایی که قبل از تصویب این قانون تشکیل شده است برابر قوانین قبلی رسیدگی می‌شود.

تبصره ۲ - قاضی ذیصلاح برای تشخیص عمده یا کلان و یا فراوان بودن موارد مذکور در هر یک از بندهای فوق‌الذکر، علاوه بر ملحوظ نظر قرار دادن میزان خسارات وارده و مبالغ مورد سوءاستفاده و آثار فساد دیگر مترتب بر آن، می‌تواند حسب مورد، نظر مرجع ذیربط را نیز جلب نماید.

ماده ۲ - هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور، چنانچه در حد فساد فی‌الارض باشد، مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد. دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انظار عمومی محکوم نماید.

تبصره ۱ (الحاقی ۱۳۹۴/۱۰/۱۴) در مواردی که اخلال موضوع هر یک از موارد مذکور در بندهای هفتگانه ماده (۱) عمده یا کلان یا فراوان نباشد، مرتکب حسب مورد علاوه بر رد مال به حبس از شش ماه تا سه سال و جزای نقدی معادل دو برابر اموالی که از طرق مذکور به دست آورده محکوم می‌شود.

تبصره ۲ - در مواردی که اقدامات مذکور در بندهای ماده ۱ این قانون از طرف شخص یا اشخاص حقوقی، اعم از خصوصی یا دولتی یا نهادها و یا تعاونی‌ها و غیر آنها انجام گیرد فرد یا افرادی که در انجام این اقدامات عالماً و عامداً مباشرت و یا شرکت و یا به گونه‌ای دخالت داشته‌اند، بر حسب این که اقدام آنها با قسمت اول یا دوم ماده ۲ این قانون منطبق باشد به مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد و در این موارد، مدیر یا مدیران و بازرسان یا بازرسان و به طور کلی مسئول یا مسئولین ذیربط که به گونه‌ای از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مزبور مطلع شوند مکلفند در زمینه جلوگیری از آن یا آگاه ساختن افراد یا مقاماتی که قادر به جلوگیری از این اقدامات هستند اقدام فوری و مؤثری انجام دهند و کسانی که از انجام تکلیف مقرر در این تبصره خودداری کرده یا با سکوت خود به تحقق جرم کمک کنند معاون جرم محسوب و حسب مورد به مجازات مقرر برای معاون جرم محکوم می‌شوند.

تبصره ۳ - مجازات شروع به جرم موضوع قسمت اول این ماده یک سال تا سه سال حبس و پانصد هزار تا پنج میلیون ریال جزای نقدی و مجازات شروع به جرم موضوع قسمت اخیر این ماده شش ماه تا دو سال حبس و دویست و پنجاه هزار ریال تا دو میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی و مجازات شروع به جرم موضوع تبصره ۱ این ماده شش ماه تا یک سال و نیم حبس و دویست هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی است.

تبصره ۴ - مرتکبین جرائم موضوع این ماده و تبصره‌های ۱ تا ۳ آن و کلیه شرکاء و معاونین هر یک از جرائم مزبور علاوه بر مجازاتهای مقرر حسب‌مورد به محرومیت از هر گونه خدمات دولتی یا انفصال ابد از آنها محکوم خواهند شد.

تبصره ۵ - هیچ یک از مجازاتهای مقرر در این قانون قابل تعلیق نبوده و همچنین اعدام و جزاهای مالی و محرومیت و انفصال دائم از خدمات دولتی و نهادها از طریق محاکم قابل تخفیف یا تقلیل نمی‌باشد.

تبصره ۶ - با لحاظ محدوده صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی مصرح در ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۵ و اصلاحیه مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ آن و تأخیر تاریخ تصویب هر دو قانون مذکور از تاریخ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹، تبصره ۶ نسخ ضمنی گردید. همچنین رأی وحدت شماره ۷۰۴ - ۲۴/۷/۱۳۸۶ وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز مؤید دیگری بر نسخ است.

تبصره ۶ - رسیدگی به کلیه جرائم مذکور در این قانون در صلاحیت دادرها و دادگاه‌های انقلاب اسلامی است و دادرها و دادگاه‌های مزبور در مورد جرائم موضوع ماده ۱ این قانون مکلفند فوراً و خارج از نوبت رسیدگی نمایند.

تبصره ۷ - از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون کلیه قوانین مغایر با آن به جز قوانینی که دارای مجازات شدیدتری از مجازاتهای مقرر در این قانون می‌باشند ملغی است.

قانون فوق مشتمل بر دو ماده و هشت تبصره در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ نوزدهم آذر ماه یک هزار و سیصد و شصت و نه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۸/۹/۱۳۶۹ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

ماده ۳۰ - در صورتی که ارتکاب قاچاق کالا و ارز به صورت انفرادی و یا سازمان یافته به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران یا با علم به مؤثر بودن آن صورت گیرد و منجر به اخلال گسترده در نظام اقتصادی کشور شود، موضوع مشمول قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ می‌گردد و مرتکب طبق مقررات قانون مزبور مجازات می‌شود.

قانون تشدید مبارزه با جاعلین اسکناس

ماده واحده - هرکس اسکناس رایج داخلی را بالمباشره یا به واسطه جعل کند، یا با علم به جعلی بودن توزیع یا مصرف نماید، چنانچه عضو باند باشد و یا قصد مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشد به اعدام محکوم می‌شود. همچنین عامل عامد و عالم ورود اسکناس مجعول به کشور به عنوان مفسد به اعدام محکوم می‌گردد مگر آنکه عضو باند نبوده و قصد مبارزه با نظام نداشته و در محکمه ثابت شود که فریب خورده است. مرتکبین در غیر از مواردی که بر اساس ضوابط فوق به اعدام محکوم می‌شوند، مشمول مجازاتهای مقرر در ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ خواهند بود.

تبصره - در کلیه ی صور فوق علاوه بر مجازات های مذکور، معادل اموالی که از راه جعل یا توزیع یا ورود یا مصرف به دست آمده است، از اموال مرتکب مصادره می‌شود.

قانون نظام صنفی

ماده ۵۷ - گران فروشی : عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارائه خدمت به بهائی بیش از نرخ های تعیین شده به وسیله مراجع قانونی ذی ربط ، عدم اجرای مقررات و ضوابط قیمت گذاری و انجام دادن هر نوع عملی که منجر به افزایش بهای کالا یا خدمت به زیان خریدار گردد.

جریمه گران فروشی ، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است:

متخلف علاوه بر الزام به پرداخت خسارت وارد شده به خریدار یا مصرف کننده در مرتبه اول به دو برابر مبلغ گرانفروشی و در مرتبه دوم به چهار برابر مبلغ گرانفروشی جریمه می گردد.

در مرتبه سوم به شش برابر مبلغ گرانفروشی جریمه می شود و علاوه بر پرداخت جریمه پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت دو هفته نصب می شود.

در مرتبه چهارم به هشت برابر مبلغ گرانفروشی جریمه می شود و پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه نصب می شود.

در مرتبه پنجم و مراتب بعدی به ده برابر مبلغ گرانفروشی جریمه می شود و پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت دو ماه نصب می شود . همچنین به مدت شش ماه ، پروانه کسب وی تعلیق و محل کسب تعطیل می گردد.

الف - جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل مبلغ گران فروشی ، در صورتی که جریمه نقدی کمتر از پنجاه هزار (۵۰ ۰۰۰) ریال باشد ، جریمه نقدی معادل پنجاه هزار (۵۰ ۰۰۰) ریال خواهد بود.

ب - چنانچه کل مبلغ جریمه های نقدی پس از سومین مرتبه تخلف به بیش از دو میلیون (۲ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال برسد ، پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت ده روز نصب خواهد شد.

ج - در صورتی که کل مبلغ جریمه های نقدی پس از چهارمین مرتبه تخلف به بیش از بیست میلیون (۲۰ ۰۰۰ ۰۰۰) ریال برسد ، پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی نصب و محل کسب به مدت سه ماه تعطیل خواهد شد.

ماده ۶۰ - احتکار : عبارت است از نگهداری کالا به صورت عمده با تشخیص مراجع ذی صلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گران فروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت صنعت ، معدن و تجارت یا سایر مراجع قانونی ذی ربط

جریمه احتکار ، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است:

مرتبه اول - الزام محکوم به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل هفتاد درصد (۷۰٪) قیمت روز کالاهای احتکار شده

مرتبه دوم - الزام محکوم به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل سه برابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیلی محل کسب به مدت یک ماه

مرتبه سوم - الزام محکوم به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل هفت برابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصب پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیلی محل کسب به مدت سه ماه

تبصره ۱- (الحاقی ۱۳۹۲/۰۶/۱۲) عدم اعلام موجودی کالا به صورت ماهیانه به اتحادیه مربوط توسط تولیدکنندگان و توزیع کنندگان عمده و خرده فروشانی که کالاهای خود را به صورت عمده در انبار یا هر محل دیگری نگهداری می کنند صرفاً در مورد کالاهایی که کمیسیون نظارت ضروری تشخیص بدهد تخلف محسوب می شود و با متخلفان برابر مقررات مربوط رفتار می شود.

تبصره ۲- (الحاقی ۱۳۹۲/۰۶/۱۲) برای کشف تخلف در صورتی که قرائنی حاکی از صحت گزارش و ضرورت ورود به محل اختفاء یا احتکار کالا باشد در صورت عدم اعلام موجودی موضوع تبصره (۱) این ماده ، حسب مورد ، شعب سازمان تعزیرات حکومتی با رعایت مقررات قانونی و تحت نظارت مدیر کل استان یا رئیس اداره تعزیرات حکومتی شهرستان ، اجازه ورود به محل یاد شده را صادر می کند و نیروی انتظامی موظف به اجرای دستور ابلاغ و اجرای احکام شعب سازمان تعزیرات حکومتی است.

الف - مرتبه اول - الزام محکوم به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل پنجاه درصد (۵۰٪) قیمت روز کالاهای احتکار شده

ب - مرتبه دوم - الزام محکوم به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل دوبرابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه

ج - مرتبه سوم - الزام محتکر به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل پنج برابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت یک ماه.